

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال پنجم، شماره هفدهم، پاییز ۱۳۹۲

صفحات: ۱۱۲ - ۱۰۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۵/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۵

وفای به عهد زنان در زندگی زناشویی

اکبر محمدیان*

چکیده

دیدگاه اسلام نسبت به زن و خانواده همواره مبتنی بر قداست و احترام بوده است. با بررسی روایات و تدبیر در آن می توان دریافت که اسلام شخصیت ویژه ای برای زنان قائل شده است. نکاح نهادی عاطفی، اجتماعی و حقوقی است که محصول آن زوجیت است. از جمله عناصر در پایداری زوجیت وفاداری بوده که آیات و روایات متضمن لزوم وفاداری در مطلق پیمان ها و ضرورت پایبندی به همبستگی عاطفی در پیمان زناشویی، مهمترین ادله ی وجوب وفاداری به شمار آمده است. حسن معاشرت، رازداری، رعایت الزامات حقوقی چون نفقه و عشق و محبت نیز در تعمیق و توسعه ی وفاداری موثر می باشد. بدون تردید وفاداری بستر شکل گیری اعتماد در روابط زوجین می باشد.

کلید واژگان: وفای به عهد، زناشویی و زن.

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، مدرس گروه معارف، اهواز، ایران. (313mohammadian@gmail.com)

مقدمه

وفاداری و پایبندی به پیمان‌ها از منظر قرآن در آیات متعددی ذکر شده است، از آن جمله است «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود...» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به همه‌ی قراردادهای پیمان‌های خود وفا کنید» (مائده: ۱). در عقد یک طرف بر قبول امری که مقبول طرف دیگر است خود را متعهدی سازد و عقد ازدواج نیز از جمله‌ی عقود شرعی و عرفی است که برای زن و شوهر تعهداتی ایجاد می‌کند. تا طرفین خود را به مفاد آن پای بند بدانند؛ لذا آیه‌ی شریفه مؤمنان را به وفای همه‌ی عقود فرامی‌خواند و بر ضرورت پای بندی به پیمان‌ها تأکید می‌ورزد (میرزای نائینی، ح ۱، ص ۱۰۴). کاربرد صیغه‌ای الامر در گزاره‌هایی از قرآن کریم که ما را به التزام به مفاد پیمان‌ها فرامی‌خواند از اهمیت و جایگاه برجسته‌ی وفای به عهد و وفاداری در تعالیم اسلامی حکایت دارد. در روایات مختلف بر لزوم وفاداری پیمان‌ها تأکید شده است و علت سفارش معصومین (ع) به این مقوله استواری نهادهای اجتماعی و از جمله حفظ و تحکیم نهاد خانواده است.

جایگاه وفاداری زن در متون اسلامی

عفت از فضایل انسانی است که از طریق آن نفس آدمی از غلبه و تسلط بر شهوت جلوگیری می‌کند (راغب اصفهانی: ص ۳۳۹، نقل از نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰). از منظر قرآن کریم یکی از شاخصه‌های مؤمنین عفت و پاکدامنی است. در سوره‌ی نو آیات ۳۰ و ۳۱ فرموده شده که: «... و ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ بدارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار ن سازند...».

تعالیم اسلامی پارسایی در نگاه را از عوامل مهم امنیت و توسعه‌ی ایمان تلقی می‌کند و از نتایج مهم آن در پیمان زناشویی، وفاداری و اعتمادسازی است. پارسایی در نظر و فراش موجب می‌شود که یک زن عفیف در اعماق قلب شوهرش جای گیرد و یک مرد عفیف نیز متعهد همسرش می‌شود. زن برای اثبات وفاداری خود به همسرش و حتی با این نگرش که ممکن است همسرش از رفتارها و نگاه‌ها و حرف‌زدهای بی‌مورد او در برابر نامحرم ناراضی باشد خود را حفظ می‌کند و تمام تلاشش وقف عشق و ورزیدن به همسر می‌شود. مرد نیز با این نگرش که در صورت حفظ نگاه و حریم خود به همسرش وفادار مانده، از امنیت عاطفی بهره‌مند می‌شود. التزام عملی هر یک از زن و شوهر به وظایف شرعی خود نشان دهنده‌ی وجود عنصر وفاداری در آنهاست. همسری که خویش را متعهد به وظایف خود و رعایت حقوق دیگری می‌کند وفاداری خود را اثبات کرده و در استحکام نهاد خانواده نقش آفرینی می‌کند (نقل از نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰).

در تعالیم اسلامی روایات متعددی مبنی بر خوش رفتاری و خوش اخلاقی زن نسبت به همسرش مشاهده می‌شود، از آن جمله امام صادق (ع) می‌فرماید: «مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و اظهار داشت همسری دارم که هرگاه به خانه می‌روم به استقبالم می‌آید و هرگاه از منزل بیرون می‌روم مرا بدرقه می‌کند، وقتی مرا اندوهگین می‌بیند می‌گوید تو را چه چیز اندوهناک ساخته؟ اگر برای معیشت دنیا ناراحتی که دیگری عهددار روزی توست و اگر برای آخرت ناراحتی خدا بر هم تو بیافزاید. پیامبر (ص) فرمودند: ای مرد، خدا

در زمین کار گزارانی دارد و این بانوی یکی از آنهاست و نیمی از پاداش شهید برای اوست (حعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۳۲، ح ۲۴۹۵۴). همچنین امام موسی بن جعفر (ص) می فرماید: «جهاد المرأة حسن التبعل»؛ «جهاد زن شوهر داری نیکوی اوست (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۲۷۸، ح ۲۷۸).

اهمیت وفای به عهد

الإمام علی علیه السلام: اوفوا بعهدهم من عاهدتم: به پیمانی که با کسی می بندید وفادار باشید (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱).
حضرت امیر علیه السلام: اشرف الاخلاق الوفاء وفاداران به عهد، گرامی ترین خلاق اند (رسولی محلاتی، ۱۳۸۳).
عنه (علیه السلام): عهد الله تعالى أحق ما أدى عهد و پیمان خداوند، برتر و والاتر از هر پیمان دیگری است (پاینده، ۱۳۸۴).
عنه (علیه السلام): الكرم فضل، الوفاء نبل کرم داشتن فضیلت است و وفاداری شرافت (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱).
پایه های دین پنج چیز است: خداشناسی، قناعت به موجودی، تجاوز نکردن از حدود دین، وفای به عهد و صبر بر گمشده (چه مال باشد چه جان یا هر چیز دیگر) (مشکینی، ۱۳۸۱).
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المسلمون عند شروطهم مسلمانان، پایبند به شروط خود هستند.
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المسلمون علی شروطهم مسلمانان، به شروط خود وفا دارند.
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المسلمون عند شروطهم ما وافق الحق من ذلك مسلمانان به شروط خود که با حق سازگار باشد، پایبندند.
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المسلمون علی شروطهم إلا شرطاً حرم حلالاً أو أحلاً حراماً. مسلمانان به شروط خود وفادار هستند مگر شرطی باشد که حلالی را حرام یا حرامی را حلال گرداند
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المؤمنون عند شروطهم مؤمنان به شروط خود وفادارند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱).
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ليس للدين رواد إلا القضاء والوفاء والحمد. طلایه دار دین، جز وظیفه شناسی و وفای به عهد و حمد و ستایش خداوند، چیز دیگری نیست (پاینده، ۱۳۸۴).

تجلیل پیامبر از وفاداری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمودند: من در پیامبری از تو برترم زیرا بعد از من پیغمبری نیست. و تو در هفت جهت از دیگران برتری که هیچیک از قریش در این صفات با تو قدرت معارضه ندارند: ایمانت از همه زودتر بود، در پیمان از همه وفادارتری و در کار خدا استوارتر و...

- ۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: نشانه ابله در ۳ چیز است: گناه کردن، آزار همسایه و پیمان شکنی.
- ۲- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: منافق کسی است که چون وعده ای کند از آن تخلف ورزد، کردارش بد بوده و به هنگام گرفتاری دروغ گوید. در امانت خیانت کرده و اگر به نوایی رسد سبکسری پیشه کند و هنگامیکه تهیدست شود، آرام گیرد.
- ۳- رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): پروردگار چون بهشت را آفرید ۳ بار فرمود: خوشا به حال مومنان. ملائکه حامل عرض نیز این جمله را ۳ بار تکرار کردند. آنگاه خداوند فرمود: هر کس شش صفت در او وجود داشته باشد از مؤمنان خواهد بود: راستگویی، وفای به عهد، ادای امانت، نیکی بر پدر و مادر، صلۀ رحم و توبه از گناه (مشکینی، ۱۳۸۱).
- ۴- حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: در پرهیزگاران نشانه هایی وجود دارد که معرف آنهاست: راستگویی، امانت داری، وفای به عهد و....
- ۵- حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: مَا أَيْقَنَ بِاللَّهِ مَنْ لَمْ يَرِعْ عَهْدَهُ وَ ذَمَّتْهُ كَسَى كَهَ پیمان و عهد خود را رعایت نکند یقیناً به خداوند نیز اعتقادی ندارد.
- ۶- عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَيْفَ إِذَا وَعَدَ هَر كَسَى به خدا و روز قیامت ایمان دارد هر گاه وعده ای می دهد می باید بدان وفا کند.
- ۷- حضرت علی (علیه السلام): أَصْلُ الدِّينِ آدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ رِيشَةُ دِينِ، امانتداری و پایبندی به پیمان هاست (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱).
- ۸- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم لا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا اَمَانَةَ لَهُ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ (پاینده، ۱۳۸۴).
- هر که امانت ندارد ایمان ندارد و هر که پیمان نگه ندارد دین ندارد (یعنی دین و ایمانش ضعیف است).
- ۹- قال اميرالمومنين (عليه السلام): اِنْ جَازَ الْوَعْدِ مِنْ دَلَائِلِ الْمَجْدِ اِنجام دادن وعده، از نشانه های بزرگواری است.
- ۱۰- حضرت علی (علیه السلام): مِنْ دَلَائِلِ الْاِيْمَانِ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ يکی از نشانه های ایمان وفای به عهد است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱).
- وفای به عهد نسبت به همه افراد جامعه چه مسلمان و غیر مسلمان و چه فاسق و فاجر، حتماً باید رعایت شود. و این یکی از مهم ترین اصول و از برترین احکام و دستورات اسلام است. همه افراد جامعه صرف نظر از هر مرام و مسلکی که دارند، چه سیاه باشند یا سفید و چه مسلمان باشند و یا کافر، در برابر قانون وفای به عهد یکسان هستند. به عبارتی، وفای به عهد، یک اصل انسانی است نه ایمانی. در این رابطه مولای علی (علیه السلام) در نامه ای که به عهد نامه مالک معروف است می فرماید:
- «وَ اِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ عَقْدَهُ أَوْ اَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً ، فَحُطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ ، وَ اِرَاعَ ذِمَّتِكَ بِالْأَمَانَةِ وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَ ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعاً ، مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَانِهِمْ وَ تَشْتَّتِ آرَائِهِمْ ، مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ ، وَ قَدْ لَرِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْغَدْرِ»

و اگر میان خود و دشمن معاهده ای منعقد نمودی یا از طرف خود به او پناهندگی دادی، به طور کامل به معاهده خود وفا کن. و با کمال امانت، تعهد به پذیرش پناهندگی او را مراعات نما. و نفس خود را در برابر عهدهی که بسته ای سپر کن، زیرا عموم مردم در هیچ یک از واجبات الهی با آن همه پراکندگی که در خواسته ها و نظریات خود دارند، مانند وفاء به معاهده ها اتفاق نظر ندارند. (این یک قانون محکم است که) حتی مشرکین نیز ما بین خود با قطع نظر از اسلام و مسلمین، بر آن عمل می کردند، زیرا آنان نیز ... (دشتی، ۱۳۸۰).

فطری بودن وفای به عهد

وفای به عهد از جمله مباحث اخلاقی است که از لحاظ فطری، خوب بودن آن برای آدمی قابل درک است. «در انسان گرایش به خیر، فضیلت است و از مقوله ی اخلاق. انسان ذاتاً به بسیاری از امور گرایش دارد به حکم آن که برای او دارای منفعت و سود باشد. یعنی وسیله ای که حوائج مادی او را رفع می کند. اما اموری نیز هست که به دلیل آن که برای آدمی فضیلت و «خیر عقلانی» هستند بدانها گرایش دارد. منفعت، خیر حسی است و فضیلت، خیر عقلی. مانند گرایش به راستی که یک فضیلت است. همه ی این موارد از فطرت انسان سرچشمه می گیرد» (مطهری، ۱۳۸۰).

این فطرت چیست؟ «انسان آن چه را که می داند می تواند بداند که می داند. یعنی انسان یک سلسله فطریاتی دارد و می داند که چنین فطریاتی دارد. این فطریات مربوط است به مسائل انسانی مانند: حقیقت خواهی و خیر خواهی و غیره» (مطهری، ۱۳۸۰). «در انسان یک سلسله گرایشها وجود دارد که خود محوری نیستند و شکل انتخابی و آگاهانه دارد و معیار انسانیت انسان» (مطهری، ۱۳۸۰).

«قرآن نیز درباره ی وفای به عهد و پیمان، بی هیچ قید و بندی سخن گفته است و این نشان از آن دارد که موضوع وفای به عهد، از جمله اموری است که مردم با عقل فطری خود به آن می رسند. علت این است که هم خود عهد و هم وفای به عهد، از اموری هستند که آدمی هرگز در زندگی خود از آن ها بی نیاز نیست و از این لحاظ فرد و جامعه یکسانند. اگر در زندگی اجتماعی دقت کنیم، متوجه خواهیم شد که همه ی مزایایی که در زندگی فردی از آن ها بهره مند می شویم و نیز کلیه ی حقوق زندگی اجتماعی که به آن ها تکیه می کنیم، تماماً بر پایه ی یک قرارداد عام اجتماعی و سایر قراردادها و پیمانهای فرعی مترتب بر آن، استوارند. زیرا هیچ کس چیزی از داشته های خود را به تملیک افراد جامعه در نمی آورد و مالک چیزی که متعلق به آن است نمی شود. مگر بر اساس یک قرارداد عملی. هر چند این قرارداد به زبان آورده نشود. زیرا گفتار در جایی لازم است که موضوع مبهم بوده و احتیاج به توضیح و بیان اضافه داشته باشد» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱).

قرآن کریم نیز به صراحت بیان می فرماید «وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ ... وَيَعْهَدِ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصِيَّتْكُمْ بِه لَعَلَّكُمْ تَدَّكُرُونَ» هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید مگر برای بهتر کردن آن... و به عهد خدا وفا کنید. این هاتوصیه هایی است که خداوند شما را بدانها سفارش کرده است، باشد که آن ها را به یاد داشته و از آنها، پند بگیرید (انعام، ۱۵۲). «خوبی عدالت و وفای به عهد را فطرت هر کس می پذیرد و

تنها باید بدان تذکر داد» (قراقرتی، ۱۳۸۱). درک و فهم فطری بودن وفای به عهد آنقدر ساده است که رفتار کودکانه‌ی طفل نیز می‌تواند ثابت‌کننده‌ی آن باشد زیرا «اگر پدر و مادر به وعده‌های خود وفانکنند، طفل با اعتراض‌های کودکانه‌ی خود آن را محکوم می‌کند» (صحفی، ۱۳۷۲).

عوامل موثر در وفای به عهد زنان

۱- حفظ پاکدامنی

مصالح اجتماعی و فردی انسان اقتضا دارد که روابط مرد و زن تحت کنترل و با ضوابط و معیارهایی انجام شود. با تشکیل خانواده نسل انسان حفظ می‌شود و زمینه‌ی رشد عواطف، عشق، محبت، فضایل انسانی فراهم می‌شود. بنابراین عفت در ابعاد مختلف از جمله ساز و کارهایی است که تجربه و وفاداری زوجین در نهاد خانواده را تمهید می‌کند.

۲- ترک نکردن خانه بدون هماهنگی با شوهر

چنانچه زن بدون اذن شوهر از منزل خارج شود، همسرش نسبت به او بدگمان شده و این سوء ظن و بدگمانی یکی از پایه‌های سلب اعتماد است. چنین زنی نسبت به وظیفه‌ی اخلاقی خود بی‌اعتنا بوده و اعتماد شوهر را در معرض آسیب قرار داده است. آموزه‌های مندرج در روایات مبنی بر خارج نشدن از منزل بدون اذن شوهر را باید ارشاد به یک وظیفه‌ی اخلاقی در اعتمادسازی و تعمیق و توسعه‌ی آن تفسیر کرد.

۳- جلب رضایت همسر در بخشش از مال او

دو مورد اخیر در روایتی از امام باقر(ع) ذکر شده که محمدبن مسلم از آن حضرت نقل می‌کند که فرمودند: «زنی به محضر رسول خدا(ص) آمد و از حق زوج بر زوجه پرسید، پیامبر(ص) فرمودند: اینکه زن اطاعت او را کند و با او به مخالفت و عصیانگری نپردازد، سپس فرمودند: زوجه از مال شوهر و خانه‌ی شوهر چیزی نبخشند مگر با مشورت و اجازگی او، روزه‌ی مستحبی نگیرد مگر با رضایت او... و از خانه‌ی او بدون اجازگی همسر خارج نشود (طبرسی ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۴۰۸؛ حر عاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۱۵۸، ح ۲۵۳۰۰). هر یک از موارد یاد شده از اهمیت پایبندی به تحصیل حداکثر رضایت شوهر برای ارتقاء سطح اعتماد و استواری نهاد خانواده حکایت دارد.

۴- مهر و محبت

محبت و جذابیت متقابل، صمیمیت، وفاداری، اعتماد و دوستی به هم گره خورده عشق قویتر و عمیقتری را پای‌هنگداری می‌کند، محبت بنای زندگی زوجین را استوار و روابط را ریش‌هدار می‌یکند و در سایه‌ی دوست‌یها احساس اطمینان بیشتر می‌شود. قرآن کریم عشق و محبت را ای‌گونه بازگو می‌کند: «و من آیاتہ أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إلیها و جعل بینکم مودَّةً و رحمۃً إن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون»؛ و یکی از آیات الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در برابر او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود، در این امر نیز برای مردم با فکر ادلّ هی علم و حکمت حق آشکار است (روم، ۲۱).

در آموزه‌های دینی عشق و محبت زن و شوهر یک ودیعه‌ی الهی تلقی شده است؛ «جعل فیکم مودَّة

و رحمه» (روم، ۲۱). در آموزه‌های دینی بر ابراز عشق و محبت تأکید شده است چنانکه پیامبر (ص) می‌فرماید: «این سخن مرد به زن که «دوستت دارم» هرگز از دل زن بیرون نم‌یرود» (کلینی ۱۴۱۳: ج ۵، ص ۵۶۷، ح ۵۹؛ حرعاملی ۱۴۲۴: ج ۲۰، ص ۲۳، ح ۲۴۹۳۰). پیامبر (ص) در داستان حواء می‌فرماید: «ای حواء! حق مرد بر زن این است که در خان هاش بنشیند و به همسرش اظهار عشق و محبت کند و دلسوز او باشد» (نوری طبرسی ۱۴۰۴: ج ۱۴، ص ۲۴۴، ح ۱۶۶۰۴) بنابراین ابراز محبت در آموزه‌های دینی از راهبردهای آفرینش و توسعه‌ی اعتماد است. از ابراز عشق و محبت در مناسبات زناشویی می‌توان به اصل مودت یاد کرد. مهمترین عامل دوام و رشد خانواده روابط عاطفی و محبت بین اعضای آن است. رفتار و گفتار محبت‌آمیز همسران با یکدیگر موجب آرامش خانواده و سلامتی روح و روان فرزندان خواهد شد.

۵- همکاری و مساعدت

زن و شوهر معاون و همراه یکدیگرند. هر کدام از آنها در سایه‌ی محبت و صمیمیت باید در مشکلات و سخت‌یها به یاری هم بشتانند و از امکانات و توانایی خود برای یاری رساندن به دیگری دریغ نوزند. امام صادق (ص) می‌فرماید: «امیر مؤمنان - که درود خداوند بر او باد - هیزم و آب م‌یاورد و جارو می‌کرد و فاطمه (س) آرد می‌ساخت و خمیر می‌کرد و نان می‌پخت» (ابن باویه: ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۰۴، ح ۴۲۷) لذا زوجین باید در امور خانواده با یکدیگر معاضدت کنند. مراد از معاضدت در خانواده نیز تعاون در اموری است که به پویایی و نشاط محیط خانواده می‌انجامد و زندگی را از طراوت و شادابی برخوردار می‌کند؛ لذا تعاون زن و شوهر از مصادیق تعاون بر برّ به شمار می‌آید؛ «و تعاونوا علی البر و التقوی» (مانده، ۲). از مؤلفه معاضدت زن و شوهر در اعتماد آفرینی می‌توان به اصل تعاون یاد کرد.

نتیجه‌گیری

در نظام فکری دین اسلام، زن جایگاهی رفیع و مسئولیت‌های بزرگی دارد، که اگر در جایگاه اصلی خود که همگام با ساختمان وجودی اوست؛ قرار گیرد، بسیاری از مشکلات خانواده و اجتماع حل می‌شود. وفای به عهد در تمامی زوایای زندگی بشر، بالهای پرمهر خود را گسترانیده و با این کار همگان را به رعایت خود فرامی‌خواند. در آیات و روایات به وفاداری تأکید فراوان شده است. آموزه‌های دینی مشتمل بر ساز و کارهای وفاداری اغلب اخلاقی‌اند، مع الوصف برخی از آنها چهره‌ی حقوقی به خود گرفته و از حمایت‌های حقوقی بهره می‌برند. وفای به عهد یعنی آن‌چه را که ملتزم به انجامش شده‌ایم. بین وفاداری و اعتماد پیوند وثیقی وجود دارد، بدین شکل که یکی از راه‌های ایجاد و حفظ اعتماد وفاداری است. رابطه‌ی زن و شوهر رابطه‌ی عهد و وفا، مهرورزی و محبت‌پذیری، مودت و مروت، صداقت و صمیمیت است. چنانچه رابطه‌ی زوجین چنین معیارهایی داشته باشد، اعتماد و اطمینان شگرفی میان طرفین ایجاد می‌شود. اگر زن و شوهر احساس کنند. که همسرشان به ایشان وفادار است، این خود عامل تعمیق محبت است و محبت نیز یکی از عناصر اعتماد آفرینی است.

منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۹۰). من لا یحضره الفقیه، تحقیق حسن موسوی، تهران، دارالکتب الاسلامی.
- امینی، ابراهیم (۱۳۷۶). «آیین تربیت»، انتشارات اسلامی، چاپ شانزدهم.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۴). «نهج الفصاحه»، انتشارات خاتم الانبیا، چاپ دوم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۴ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، موسسه آل البيت لإحياء التراث.
- دشتی، محمد (۱۳۸۰). «نهج البلاغه»، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۳). «غرر الحکم و درر الکلم آمدی ره» ج ۲، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم.
- صحفی، سید محمد (۱۳۷۲). «تعالیم آسمانی اسلام»، ترجمه محمد فضل حق، انتشارات اهل بیت (ع)، چاپ فروردین قم.
- طبرسی، ابی نصر الحسن بن الفضل (۱۳۶۵). مکارم الاخلاق، ترجمه ی ابراهیم میرباقری، فراهانی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۱). «تفسیر نور»، ج ۲ و ۳ و ۴ و ۵، ناشر مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ سوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق). الکافی، تحقیق محمد جواد الفقیه، تصحیح یوسف البقاعی، بیروت، دارالاضواء.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۱). «میزان الحکمه»، ج ۹ و ۱۴، ناشر دارالحدیث، چاپ سوم.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۱). «نصایح»، انتشارات الهادی، چاپ بیستم و سوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). «فطرت»، انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم.
- میرزای نائینی (بی تا). منیه الطالب، تهران.
- نقیبی، سید ابوالقاسم، زمانی، زری (۱۳۹۰). نقش وفاداری در اعتماد آفرینی و راهبردهای توسعه ی آن در نهاد خانواده بارویکرد به آیات و روایات، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال سیزدهم، شماره ۵۲، ص ۷-۵۳.
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، بیروت، آل البيت لإحياء التراث.